

واکاو و وضعیت اشتغال و تناسب رشته تحصیلی با شغل در دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی کشاورزی و عوامل موثر بر آن

حسین روحانی

دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی خراسان رضوی

آدرس مکاتبات

مشهد- بزرگراه شهید کلانتری- مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی خراسان رضوی

شماره تلفن: ۰۵۱۳۸۷۱۷۱۲۱

دورنگار: ۰۵۱۳۸۷۱۷۱۴۲

پست الکترونیک: h_rohani2020@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف آگاهی از وضعیت اشتغال و تناسب رشته با شغل در دانش آموختگان علمی - کاربردی کشاورزی و تحلیل عوامل تاثیر گذار بر آن انجام گردیده است. متغیر وابسته تحقیق در مدل اول وضعیت اشتغال و در مدل دوم تناسب رشته تحصیلی با شغل است. متغیرهای مستقل شامل سن، جنسیت، سهمیه پذیرش، میزان علاقه مندی به رشته تحصیلی، میزان رضایت از رشته تحصیلی، نگرش به دانش و مهارتهای کسب شده، نگرش به فرهنگ کار، میزان هدایت شغلی در زمان تحصیل و نگرش به موانع اقتصادی اشتغال میباشد. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۶۷ نفر از دانش آموختگان مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی می باشند و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه است. در برآورد و تحلیل نتایج از مدل پروبیت دوگانه و مدل پروبیت ترتیبی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد حدود ۵۸ درصد دانش آموختگان در حال حاضر شاغلند و در بین شاغلین نیز تناسب شغل با رشته تحصیلی در شرایط مناسبی قرار دارد. از متغیرهای مستقل وارد شده در مدل اول، متغیرهای سن، جنسیت، میزان علاقه مندی به رشته تحصیلی و نگرش به دانش و مهارتهای کسب شده در دوران تحصیل بر احتمال اشتغال تاثیر معناداری دارند به طوریکه با افزایش سن احتمال اشتغال افزایش می یابد و احتمال اشتغال زنان نسبت به مردان کمتر بوده و با افزایش میزان علاقه به رشته تحصیلی و نگرش به دانش و مهارتهای کسب شده احتمال اشتغال نیز بالاتر می رود. همچنین نتایج مدل پروبیت ترتیبی برای متغیر وابسته تناسب رشته با شغل مبین آن است که متغیرهای جنسیت، سهمیه پذیرش و نگرش به دانش و مهارتهای کسب شده در دوران تحصیل بر احتمال تناسب رشته با شغل تاثیر معناداری دارند.

کلمات کلیدی: اشتغال، دانش آموختگان کشاورزی، مدل پروبیت، تناسب رشته با شغل.

Abstract

In order to understanding employment of graduated student from agriculture college of science and applied college that have fitness with their course study and also probing factors that has been effected on its, an investigation was conducted in Institute of Science and Applied Higher Educational of Jihad-e-Agriculture (ITVHE) in Khorasan Razavi province. In this research depended variable was situation employment in the first model and appropriating course study with job in the second model. The independed variables were age, gender, accepted share, degree of interest in the field of education, course satisfaction, attitudes to knowledge and skills acquired, attitudes towards work culture, career guidance levels during of study and attitude to job economic barriers. Statistical population was 197 graduated from ITVHE in Khorasan Razavi. Data was accumulated with layout of questionnaire. In analysis of data was used of binary Probit Model and ordered Probit Model. The results showed that about 58 percent of graduated are employment now and there are favorable proporation between their jobs and course studied. In the first model there was significant difference in probablity of aquired job and independed variable as age, gender, degree of interest in the field of education and attitudes to knowledge and skills acquired during study, as with increase age was enhanced probablity of employment and possiblity aquired jobs was lower in women in compare of men. Probablity of employment was increased with enhancing amount of interest in the field of education and attitudes to knowledge and skills acquired during study. The results from second model for depended variable fitness jobs with course study indicated that there was significant difference between fitness job with course study and independed variables as gender, accepted share, attitudes to knowledge and skills acquired during study.

Keywords: Agriculture graduate, Employment, Fitness course study with job, Probit model.

مقدمه

کشاورزی ایران از جایگاه ویژه ای در اقتصاد ملی و تامین امنیت غذایی مردم برخوردار است. اما آمارها نشان می دهد بهره برداری از منابع در بخش کشاورزی وضعیت نابسامانی داشته و ظرفیت کیفی بلا استفاده زیادی در آن وجود دارد (۱۴) از طرف دیگر به اعتقاد هایسون (۱۳۸۰) منابع انسانی، پایه اصلی ثروت ملتها را تشکیل می دهد و سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید شمرده می شود. کشوری که نتواند مهارت و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو موثری بهره برداری کند نخواهد توانست هیچ چیز را توسعه دهد. (۱۴) مطالعات یونسکو نشان می دهد موفقیت کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا مثل ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور، از توجه عالمانه به سرمایه گذاری نیروی انسانی سرچشمه گرفته و بهبود وضعیت اشتغال و کاهش بیکاری دانش آموختگان رشته های کشاورزی ناظر بر سه فعالیت شامل اجرای آموزش های علمی - کاربردی، اصلاحات آموزشی با لحاظ کردن مهارت های شغلی و تاکید بر اجرای کار عملی می باشد. (۲) لذا می توان گفت که افزایش میزان کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان از طریق شناخت و رفع موانع و مشکلات پیش روی آنان در آموزش عالی می تواند موجب افزایش بهره وری و توسعه کشور گردد. (۶)

ساختار اقتصادی جوامع به شدت در حال تغییر است و این امر نیاز به مهارت ها، تواناییها و قابلیت های جدید را افزایش می دهد. بنابراین بسیار مهم به نظر می رسد که سیاستگذاران ارشد، تحولات و تغییرات اقتصادی و صنعتی را درک نموده و روشن کنند که چگونه می توان نظام آموزش عالی را با این شرایط نوین تطبیق داد. توجه به این امر در کاهش نگرانیها در خصوص بیکاری و وسیع دانش آموختگان موثر است. (۴)

با توجه به هزینه های هنگفتی که هر ساله از طرف دولت و خانواده ها برای تحصیل قشر جوان جامعه صرف می شود، لازم است به پیامدهای این تحصیلات و بازدهی آن برای جامعه توجه بیشتری شود. امروزه آموزش عالی باید در برابر آینده شغلی دانش آموختگان و هزینه های آن پاسخگو بوده و در یک سری تحقیقات علمی مشخص شود که دوره های دانشگاهی چه نتایج مفیدی برای جامعه دارد.

شغل در جوامع سهم اصلی را در هویت اجتماعی فرد دارد و در فرآیند اجتماعی شدن، کسب مهارت های شغلی از عناصر عمده آن است. اشتغال وسیله ای است که فرد از مجرای آن به صحنه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی کشانده می شود و انسجام جامعه اش را سبب می شود، بلکه از این رهگذر می تواند نیازهای مادی و معنوی خویش را تامین کند. امروزه مساله اشتغال و کاهش بیکاری در اقتصاد ایران یکی از مهم ترین موضوعات بوده و به یکی از نگرانی های عمده دولت ها تبدیل شده است. تحقیقات تجربی مختلف نشان داده است که افراد تحصیل کرده نسبت به کسانی که تحصیلات کمتری دارند، سالانه ساعات بیشتری کار می کنند، بیشتر مهاجرت می کنند، همواره در حال ارزشیابی، اصلاح و بهبود اطلاعات و آگاهیهای خود هستند و به همین دلیل است که نیروی آموزش دیده در واقع زمینه توسعه پایدار کشور را فراهم می سازد. (۴)

مطابق آمارها از کل شاغلان با تحصیلات عالی کشور فقط ۳,۷ درصد در رشته های کشاورزی تحصیل کرده اند. (۱۵) تحقیقات نشان می دهد یکی از عوامل موثر بر بیکاری دانش آموخته ها، برنامه های آموزشی دانشکده های کشاورزی از جمله سرفصل ها، محتوای دروس، تجارب یادگیری و... می باشد (۱۵) فیروز، اکبری و طیفوری (۱۳۹۲) اشاره می کند که نرخ بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی کشور از ۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است و نرخ بیکاری مردان در

تمام رشته ها بیش از دو تا سه برابر نسبت به زنان است. (۱۷) به طوری که حدود ۲۰ درصد بیکاران را افراد با تحصیلات عالی تشکیل می دهند. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ سهم دانشجویان کشور از جمعیت از ۲ درصد به ۲۴٫۲ درصد رسیده است. بررسی روند توزیع نسبی شاغلان با تحصیلات عالی در رشته های مختلف نشان می دهد که رشته های گروه کشاورزی و دامپزشکی کمترین سهم یعنی ۳٫۶ درصد بعد از رشته های گروه خدمات یعنی ۳ درصد می باشد. بالاترین نرخ بیکاری در بین رشته های تحصیلی در کشور مربوط به رشته های کشاورزی و دامپزشکی یعنی ۲۰٫۱ درصد می باشد علاوه بر این در بین زنان بالاترین نرخ بیکاری در رشته های کشاورزی با ۴۳٫۲ درصد می باشد. نرخ بیکاری دانش آموختگان آموزش عالی از ۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۵٫۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است که بیانگر شکاف قابل توجه بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی با تحصیلات عالی است. (۱۸) منابع انسانی زمانی بهره ور و کارآ خواهند شد که به سرمایه انسانی تبدیل شوند. سرمایه انسانی یعنی انباشت مهارت، تخصص و به طور کلی حجم دانش فنی نیروی انسانی. بر اساس تئوریهای رشد، سودهای حاصل از آموزش نیروی کار می تواند به عنوان موتور رشد و سوددهی اقتصاد کلان مطرح شود (۳) از طرف دیگر سرمایه های انسانی با قابلیت بالاتر سبب استفاده بهینه از منابع موجود و نتیجتاً افزایش میزان بازده سرمایه گذاری است. این در حالی است که یکی از آسیب پذیرترین بخش های نظام آموزش عالی ایران، آموزش عالی کشاورزی است که با مشکل عظیم هماهنگ نبودن تعداد دانش آموختگان با بازار کار مواجه است. با توجه به نیاز بازار کار کشاورزی به نیروی متخصص، دلیل جذب نشدن این دانش آموختگان را می توان در کاربردی نبودن برنامه های درسی اجرا شده در دانشگاهها و نیز پایین بودن قابلیت اشتغال این بخش عنوان کرد. لذا نیازمند تغییر و تحول اساسی در این زمینه هستیم. در این راستا دگرگونی برنامه های درسی به گونه ای که قابلیت اشتغال را در فراگیران افزایش داده و آنان را به افرادی فعال و آینده نگریا تمرکز بر نیازهای شغلی شان تبدیل سازد، ضرورتی جدی است. از این منظر آموزشهای علمی - کاربردی کشاورزی با تاکید بر عملیاتی و کاربردی بودن آموزشها و داشتن رویکردی علمی و تجربی و توجه عمده بر مهارتهای فنی دانش آموختگان، توانایی بیشتری در ایجاد اشتغال افراد دارند. (۱۲، ۱۷). در بخش کشاورزی، از یک سو با کمبود سن و پایین بودن سطح سواد شاغلان و از سوی دیگر با عدم بکارگماری دانش آموختگان در رشته های تحصیلی مرتبط مواجه هستیم. توجه به نقش محوری بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، ضرورت تربیت نیروی ماهر را روز به روز بیشتر می کند. بهره وری در بخش کشاورزی از طریق توجه به مجموعه عوامل تولید اعم از کار، سرمایه، زمین، ماشین آلات و همچنین وجود نیروی متخصص حاصل می شود. امروزه افزایش بهره وری در بخش کشاورزی به سطحی رسیده که در کشوری مانند امریکا فقط ۵ درصد مردم که در بخش کشاورزی شاغلند قادرند نیازهای ۹۵ درصد کشور را تامین نمایند (۱۲، ۷). دانش آموختگان به عنوان اصلی ترین منابع توسعه ملی و اجتماعی از حساس ترین اقشار جامعه هستند که می بایست گردش همه چرخه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به عهده بگیرند. بنابراین لازم است علاوه بر آموزشهای علمی و تخصصی، اشتغال آنها مورد توجه قرار گیرد. با توجه به این موارد، این پژوهش با هدف آگاهی از وضعیت اشتغال دانش آموختگان علمی - کاربردی و عوامل تاثیرگذار بر آن صورت گرفته است. در این قسمت مروری بر تحقیقات انجام شده در این زمینه نتایج گویاتری به دنبال خواهد داشت.

آقاپور، موحد، علم بیگی و فمی (۱۳۹۱) با مطالعه ۳۱۰ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی دانشگاه تهران نتیجه می گیرند که مهارتهای توسعه فردی به میزان چشمگیری در شکل گیری قابلیت اشتغال موثرند که در این خصوص نگرش مناسب حرفه ای در ارتباط با کشاورزی مهم ترین نقش را دارا می باشند. نظری کتولی و رحمانی (۱۳۸۳) مهمترین عامل موفق نبودن فارغ التحصیلان در کاربایی و اشتغال را در دو بعد عوامل بیرونی و درونی مورد بحث و بررسی قرار می دهند.

مهمترین عوامل درونی شامل عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار، عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارت‌های شغلی، عدم توفیق دانشگاهها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی به جامعه در دانشجویان، مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن، عدم آشنایی اعضای هیات علمی با فرایند و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته تحصیلی فارغ التحصیلان، فقدان زمینه مناسب برای آموزشهای علمی و کاربردی و مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به عنوان اولویت اول در دانشگاهها است. عوامل بیرونی نیز شامل رواج نیافتن و مشخص نبودن فرهنگ کاریابی، عدم توسعه بنگاههای کاریابی خصوصی، عدم توسعه کانونهای فارغ التحصیلان و ناکارآمدی آنها در کاریابی و هدایت شغلی، تعدد متقاضیان و رقابت شدید برای کسب مشاغل موجود، رواج نیافتن فرهنگ کارآفرینی و کم بودن تعداد کارآفرینان و وجود مشکلات اجرایی در پیاده کردن سیاستها و برنامه های کلان اشتغال است.

صفاری (۱۳۹۰) در تحقیقی دیدگاه دانش آموختگان درخصوص مهمترین موانع اشتغال دربخش کشاورزی را مورد مطالعه قرار داد. محدود بودن فرصت های شغلی ایجاد شده دربخش کشاورزی، عدم زمینه سازی جهت اشتغال زایی دربخش خصوصی، نامناسب بودن ضوابط پرداخت وام از طریق منابع اعتباری و عدم کاریابی مراکز آموزش عالی در تربیت دانش آموختگان کارآفرین از جمله مهمترین موانع اشتغال دربخش کشاورزی در این پژوهش عنوان شده است. خسروی پور و منجم زاده (۱۳۹۰) در بررسی دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع موثر در کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان کشاورزی با مطالعه بر روی ۱۱۴ نفر از دانشجویان نشان دادند که مهم ترین عامل موثر بر تصمیم گیری برای ادامه تحصیل، عدم وجود فرصت های شغلی مناسب بوده هم چنین تاکید بر مطالب عملی و کاربردی و افزایش ساعات عملی درس مهم ترین عامل موثر در کارآفرینی می باشد. از طرف دیگر عدم اطلاع از بازار کار مناسب و سطح نامناسب دانش و مهارت‌های تجربی و شغلی از مهم ترین موانع اشتغال به شمار می رود. خسروی پور و سلیمانپور (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان تبیین نقش ویژگیهای فردی موثر در اشتغال دانش آموختگان دختر آموزش عالی، ویژگیهای روان شناختی و جامعه شناختی را مورد بررسی قرار داده و نتیجه می گیرند که ۵۸/۶ درصد شاغل اند و نیمی از شاغلین در بخش دولتی و نیمی دیگر در بخش خصوصی یا خوداشتغالی مشغول به کار هستند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که ویژگی اعتماد به نفس به عنوان موثرترین متغیر در اشتغال دانش آموختگان دختر می باشد.

صالحی عمرانی (۱۳۸۵) در پژوهش وضعیت اشتغال دانش آموختگان زن نتیجه می گیرد که ۵۶/۹ درصد از دانش آموختگان زن دانشگاه مازندران شاغل و بقیه بیکارند و عواملی مثل دانش و مهارت کسب شده در دوران تحصیل، وجود داشتن زمینه شغلی متناسب با رشته و داشتن مهارت عملی در دستیابی زنان به شغل موثر بوده است. محمدی دینانی و فولادی (۱۳۸۰) در پژوهشی به بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی دانشگاه کرمان پرداخته و نتیجه گرفتند که بخش دولتی با ۸۴ درصد عمده ترین بخش در جذب این دانش آموختگان بوده و تنها ۱۲ درصد در بخش خصوصی جذب شده اند. از نظر رضایت شغلی نیز بین گروههای مختلف دانش آموختگان اختلاف معنی داری وجود ندارد. ایزدی، صالحی عمران و قربانی (۱۳۸۹) در ارزیابی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دانشگاه جامع علمی - کاربردی نتیجه می گیرد که ۵۷/۸ درصد دانش آموختگان شاغل و بقیه بیکارند. همچنین بین رشته تحصیلی و نوع شغل ارتباط معنی داری وجود دارد و تحصیل در دانشگاه با عث ارتقای شغلی دانش آموختگان شده است.

فروزانی وزمانی (۱۳۸۵) معتقدند بیکاری در مورد رشته های کشاورزی حادث تر بوده و روند اشتغال برای دختران در این رشته ها بدلیل کثرت پذیرش و محدودیت های فردی، اجتماعی و فرهنگی مشکل تر است. زمانی و عزیز (۱۳۸۵) در تحقیق مربوط به تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش آموختگان کشاورزی که با استفاده از ابزار پرسشنامه بازانجام داده، نتیجه می گیرد بیش از ۹۰ درصد از مدیران اجرایی گرایش به دیدگاه اقتصادی در برنامه ریزی نیروی انسانی دارند و حدود ۱۰ درصد به دیدگاه اجتماعی تمایل نشان داده اند. موحدی، اکبری، یعقوبی و خداوردیان (۱۳۸۹) در تحقیق راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی با بررسی روی ۲۱۰ نفر از دانش آموختگان دانشگاه بوعلی سینا همدان بیان می کند که مهم ترین راهکارهای شامل برقراری ارتباط بین انجمن ها و تشکل های دانشجویی و شرکت های دانش بنیان فعال، اصلاح و تغییر برنامه های درسی کشاورزی متناسب با نیاز بازار، ایجاد فرصت های شغلی جدید در بخش های مختلف دولتی، غیر دولتی، تعاونی و سازمان های غیردولتی می باشد.

همتی، پزشکی راد و چیدری (۱۳۸۶) در بررسی وضعیت شغلی و موفقیت شغلی دانش آموختگان مراکز آموزش کشاورزی آذربایجان شرقی با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۱۵۰ نفر را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج نشان می دهد که ۴۹،۱ درصد شاغل و ۳۶،۲ درصد بیکار می باشند. در این بررسی همبستگی بین میزان رضایت از دروس اصلی و تخصصی کشاورزی با موفقیت شغلی مثبت و معنادار می باشد. نوروزی فیروز، اکبری و طیفوری (۱۳۹۲) در بررسی وضعیت بازار کار دانش آموختگان عالی در ایران ۱۳۹۰ با تاکید بر استان گیلان نتیجه می گیرد که نرخ بیکاری دانش آموختگان دانشگاهها از ۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است همچنین نرخ بیکاری مردان تحصیل کرده در تمام رشته ها بیش از دو تا سه برابر نسبت زنان است. سهم شاغلان دارای تحصیلات عالی در رشته های کشاورزی و دامپزشکی کم ترین و معادل ۶،۳ درصد و نرخ بیکاری در این گروه به صورت کلی ۲۰،۱ درصد و در بین زنان ۴۳،۲ درصد می باشد.

نتایج مطالعه بر روی وضعیت دانش آموختگان برنامه های علمی و کاربردی کشاورزی در کشور تایوان با بررسی روی ۳۹۹ نفر از ۳۷۸۰ نفر دانش آموختگان سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ از ۲ انستیتو فنی کشاورزی که از طریق پیمایش پستی جمع آوری شد، نشان می دهد حدود ۴۰ درصد دانش آموختگان برنامه های کاربردی کشاورزی در مشاغل کشاورزی استخدام شده بودند، دانش آموختگان جوانتر هر یک از دو برنامه بیشتر از دانش آموختگان مسن تر گرایش به استخدام در بخش خصوصی داشتند، در حالیکه دانش آموختگان مسن تر گرایش به کار دولتی نداشتند، تعداد دانش آموختگان کاربردی کشاورزی مسنی که در امور غیر مزرعه داری مشغول بودند، نسبت به دانش آموختگان جوانتر ۴ برابر بیشتر است، حدود دو سوم پاسخ دهندگان، برنامه های کاربردی کشاورزی را در کسب اولین شغل شان موثر ندانستند، بیش از ۲۰ درصد دانش آموختگان سال ۱۹۸۴ انستیتوهای فنی کشاورزی پس از فارغ التحصیلی به تحصیل در کالج یا دانشگاه دیگر پرداختند، حدود یک سوم دانش آموختگان مسن تر و ۴۶ درصد دانش آموختگان اخیر برنامه های کاربردی در فعالیتهای مزرعه داری مشغول شدند، تعداد خیلی کمی از دانش آموختگان انستیتو فنی، کشاورز شدند. در ادامه پیشنهادهای برای بهبود آموزشهای کشاورزی در تمام زمینه ها ارائه شد (۷).

لانکار (۱۹۹۴) در پژوهشی در آمریکا به بررسی انتظارات از آموزشهای علمی - کاربردی پرداخته است. لانکار به نقل از شرودر (۱۹۹۰) چنین بیان کرده که اکثریت ناظران، دانش آموختگان علمی - کاربردی را برتر از دارندگان یک نوع آمادگی برای کار دانستند. همچنین بین ۲۵ تا ۴۸ درصد فکر می کردند که دانش آموختگان علمی - کاربردی، بهره وری بیشتری نسبت به بقیه دارند. ۵ شاخص که به واسطه آنها دانش آموختگان بیشتری مطلوبیت را داشتند عبارت بودند از، برانگیختن کارگران

دیگر، نیاز کمتر به نظارت مستقیم، توانایی یادگیری مهارت‌های جدید، همراهی پیوسته و فوری و انطباق فردی. لانکاردر همچنین اشاره به پژوهش پتی و همکاران (۱۹۸۹) می‌نماید که به عقیده کارفرمایان، حدود ۸۰/۵ درصد پاسخ دهندگان به پرسشنامه‌ها معتقد بودند آموزش علمی - کاربردی برای کمک به تربیت نیروی کارآموده در آینده ضروری است. بررسی دیدگاه‌های کارفرمایان روستایی همچنین حاکی از آن است که ۳۵ درصد کارفرمایان از صلاحیت کارکنان آموزش دیده علمی - کاربردی بسیار خوشنود بودند، در حالیکه فقط ۱۲/۶ درصد آنها از صلاحیت سایر آموزش دیدگان بسیار خوشنود بودند. لانکاردر در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که همه برنامه‌های اشتغال زایی علمی - کاربردی باید علاوه بر مهارت‌های شغلی همچنان بر مهارت‌های اساسی تاکید کنند و باید توجه به یادگیری مهارت‌های روابط انسانی و رفتار کاری مطلوب در آموزشها گنجانده شود. در بعد مهارت‌های فنی، دانش آموختگان علمی - کاربردی علاوه بر مهارت‌های انجام کار باید دانش کاربردی کافی برای استفاده از کامپیوتر را داشته باشند تا بتوانند در اغلب عرصه‌های حرفه‌ای منشاء اثر باشند. راملی و ابو در کنفرانس سالانه اشتغال از طریق آموزش فنی و حرفه‌ای در سال ۲۰۰۱ در گزارشی با عنوان جهانی شدن آموزش و تاثیر آن بر آموزش فنی و حرفه‌ای در کشور مالزی، اعلام کردند که توسعه منابع انسانی و سیاست‌های استراتژیک و رقابتی و تلاش برای استفاده از فن‌آوری اطلاعات در دگرگونی جامعه مالزی و اصلاح سیستم آموزش فنی و حرفه‌ای نقش زیادی داشته است. (۷)

با توجه به نتایج مطالعات انجام شده می‌توان گفت که مقوله اشتغال دانش آموختگان به ویژه در رشته‌های کشاورزی را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد و تاثیرگذاری عوامل مختلف را آزمون نمود. با استناد به این پژوهش‌ها، با رویکردی نو و با کاربرد مدل رگرسیون پروبیت وضعیت اشتغال و تناسب رشته تحصیلی با شغل مورد بررسی قرار گرفته و عواملی که می‌توانند احتمال شغل یا بیکاری را ایجاد کنند، تبیین گردیده است. پژوهش از حیث نوع مدل بکار گرفته شده، متغیرهای مستقل و متغیر وابسته و نیز موضوع مورد مطالعه حائز نوآوری و اهمیت ویژه است.

موادوروشها

متغیر وابسته تحقیق در مدل اول وضعیت اشتغال دانش آموختگان و در مدل دوم تناسب رشته تحصیلی با شغل می‌باشد. متغیرهای مستقل نیز شامل متغیرهای سن، جنسیت، سهمیه پذیرش، میزان علاقه مندی به رشته تحصیلی، میزان رضایت از رشته تحصیلی، میزان هدایت شغلی در دوران تحصیل ارزیابی از مهارت‌های حرفه‌ای و آموزشی کسب شده در مرکز، ارزیابی از فرهنگ کاردر جامعه و ارزیابی تاثیرموانع اقتصادی بر اشتغال می‌باشد. پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، کمی و به لحاظ هدف از نوع کاربردی و از جهت نوع گردآوری داده‌ها پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق عبارت است از کلیه دانش آموختگان مقاطع کاردانی و کارشناسی دوره‌های علمی - کاربردی مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی می‌باشند که به منظور انجام تحقیق کلیه دانش آموختگانی که در بازه زمانی یک ساله جهت دریافت مدرک تحصیلی خود به مرکز مراجعه نموده‌اند به عنوان نمونه انتخاب شدند. تعداد این افراد ۱۶۷ نفر می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد که بعد از طراحی سوالات مربوطه اعتبار صوری آن با نظرخواهی از صاحب نظران مورد تایید قرار گرفت. همچنین به منظور اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که برابر با ۰/۸ می‌باشد. به منظور آوردن مدل رگرسیون با توجه به نوع متغیر وابسته از مدل پروبیت دوگانه و پروبیت ترتیبی استفاده گردید. این مدل در زمانی که توزیع عناصر خطا از نوع نرمال است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برآورد مدل با استفاده از فرمولهای زیر انجام می‌گیرد. (۲۰، ۲۱، ۲۲)

$$\Pr(Y = 1 | X) = \Phi(X'\beta),$$

$$Y^* = X'\beta + \varepsilon,$$

$$Y = \begin{cases} 1 & \text{if } Y^* > 0 \text{ i.e. } -\varepsilon < X'\beta, \\ 0 & \text{otherwise.} \end{cases}$$

$$\begin{aligned} \Pr(Y = 1 | X) &= \Pr(Y^* > 0) = \Pr(X'\beta + \varepsilon > 0) \\ &= \Pr(\varepsilon > -X'\beta) \\ &= \Pr(\varepsilon < X'\beta) \quad (\text{by symmetry of the normal dist}) \\ &= \Phi(X'\beta) \end{aligned}$$

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای spss و stata انجام گرفته است.

یافته ها

آمار توصیفی اطلاعات تحقیق نشان میدهد ۵۸,۷ درصد دانش آموختگان را مردان و ۴۱,۳ درصد را زنان تشکیل می دهد و میانگین سنی آنان ۲۸ سال بوده که بیانگر جوان بودن آنان می باشد. ۷۱ درصد دانش آموختگان رشته تحصیلی خود را با علاقه مندی زیاد و خیلی زیاد انتخاب کرده اند و فقط ۷ درصد آنان این انتخاب را با علاقه مندی کمی انجام داده اند لذا می توان گفت با توجه به این میزان علاقه مندی، انگیزه مناسب برای فعالیت در بخش کشاورزی وجود دارد. در پاسخ به این سوال که در زمان تحصیل هدایت شغلی به چه میزان صورت گرفته است نیز ۲۷ درصد پاسخگویان اذعان داشته اند در حد کم و خیلی کم و ۴۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است و با احتساب ۳۰ درصد عدم متوسط می توان نتیجه گرفت که ارزیابی از این متغیر متوسط و بالاتر بوده است.

رضایت از رشته تحصیلی در حد مناسبی ارزیابی گردیده به طوریکه ۷۱ درصد از رشته تحصیلی خود در حد زیاد و خیلی زیاد رضایت دارند و فقط ۱۲ درصد آنان ناراضی هستند. نتایج نشان می دهد از لحاظ نوع سهمیه قبولی که در دانشگاه جامع علمی کاربردی به دونوع شاغل و آزاد تقسیم می شود (سهمیه شاغل کسانی می توانند استفاده نمایند که براساس مستندات ارائه داده در شغل کشاورزی مشغول بوده یا والدین آنها کشاورز باشند یا اینکه در دوره های کار دانش وفنی و حرفه ای کشاورزی دیپلم گرفته باشند) از بین کل دانش آموختگان شاغل (یعنی ۹۶ نفر در جدول ۱)، ۶۲,۸ درصد با استفاده از سهمیه شاغل و بقیه به صورت آزاد وارد دانشگاه شده اند.

۱-۱- وضعیت اشتغال: جدول ۱ وضعیت موجود اشتغال دانش آموختگان را نشان می دهد. براساس این نتایج ۵۷,۵ درصد دانش آموختگان دارای شغل بوده و بقیه جویای کار می باشند. با توجه به وضعیت اشتغال در کشور به خصوص رشته های کشاورزی، به نظر میرسد شرایط خاص این دوره ها باعث شده که بیکاری کم تر باشد.

جدول ۱- توزیع فراوانی وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد
۱ شاغل	۹۶	۵۷,۵
۲ جویای کار(بیکار)	۷۱	۴۲,۵
۶ جمع کل	۱۶۷	۱۰۰

ماخذ: یافته های تحقیق

۱-۲- میزان تناسب رشته تحصیلی با شغل: این متغیر به عنوان متغیر وابسته دوم این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. تناسب رشته با شغل از عوامل مهم موفقیت شغلی به شمار می رود زیرا فرد می تواند با انگیزه بالا تری از دانش و مهارت فنی خود در فعالیتهای شغلی بهره ببرد بویژه در دوره های علمی - کاربردی این نکته اهمیت بیشتری دارد. نتایج جدول ۲ نیز نشان می دهد در بین دانش آموختگانی که اعلام نموده اند در حال حاضر واجد شغل هستند، میزان تناسب رشته آنان با شغلشان متفاوت بوده است به طوریکه حدود ۲۰ درصد گفته اند که شغل آنان با رشته تحصیلیشان اصلاً "تناسب ندارد و حدود ۶۷ درصد نیز بیان کرده اند که این تناسب در حد زیادی با شغل آنان برقرار است و ۱۳,۵ درصد هم این امر را در حد متوسط دانسته اند. می توان گفت در بین شاغلین مورد بررسی وضعیت در حد قابل قبولی بوده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی دانش آموختگان شاغل بر اساس میزان تناسب رشته تحصیلی با شغل

ردیف	عنوان	تعداد	درصد
۱	نامتناسب	۱۹	۱۹,۸
۲	تناسب متوسط	۱۳	۱۳,۵
۳	کاملاً متناسب	۶۴	۶۶,۷
	جمع کل	۹۶	۱۰۰

ماخذ: یافته های تحقیق

۱-۳- نگرش به دانش و مهارتهای کسب شده در دوران تحصیل: به منظور اندازه گیری این متغیر از پنج شاخص در قالب گویه نگرشی با استفاده از طیف لیکرت مندرج در جدول ۳ استفاده گردید. نتایج نشان می دهد در بین شاخص ها، مفید بودن دانش و مهارت و اثر آموزش در موفقیت شغلی نسبت به سایر شاخص ها بهتر ارزیابی شده و بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان نگرش خیلی خوب و خوب داشته اند و شاخص های کیفیت دروس عملی و انطباق محتوا با شغل نیز با نگرش ضعیف تری ارزیابی گردیده است. در مجموع با ارزیابی نگرش کلی مشخص گردید که نگرش به دانش و مهارتهای کسب شده در دوران تحصیل از وضعیت مناسبی برخوردار است و بیش از ۷۰ درصد دارای نگرش مثبت و قوی در این زمینه هستند که یقیناً با توجه به سوابق تحقیق بر اشتغال مناسب نیز اثرگذار است.

جدول ۳- توزیع درصدی شاخص های نگرش به دانش و مهارت های کسب شده

شاخص	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف	تعداد پاسخگو
مفید بودن دانش و مهارت	۲۶,۵	۴۳,۲	۲۴,۱	۵,۶	۰,۶	۱۶۱
کیفیت دروس نظری	۱۵,۶	۴۳,۱	۳۳,۱	۷,۵	۰,۶	۱۶۰
کیفیت دروس عملی	۲۵,۳	۳۲,۳	۲۷,۲	۸,۹	۰,۳	۱۵۸
انطباق محتوا با شغل	۲۱,۵	۲۴,۷	۳۶,۷	۱۰,۸	۰,۳	۱۵۸
اثرآموزش در موفقیت شغلی	۴۲,۸	۳۰,۸	۲۰,۸	۵	۰,۶	۱۵۹
نگرش کلی						
برحسب درصد	۵,۶	۲۹,۴	۰	۰	۱۴۳	

ماخذ: یافته های تحقیق

۴-۱- نگرش به فرهنگ کار: برای اندازه گیری این متغیر از چهار شاخص جدول ۴ استفاده گردید. آماره های محاسبه شده نشانگر آن است که ارزیابی از فرهنگ کار در جامعه توسط دانش آموختگان در حد متوسطی می باشد به طوری که بیش از ۹۰ درصد دانش آموختگان در مجموع دارای نگرش مخالف، بینابین و حداکثر موافق بوده اند. یعنی نگرش به فرهنگ کار مثبت و قوی نمی باشد. نکته جالب اینکه تقریباً "همه شاخص های مورد نظریه غیر از عدم اعتماد کارفرمایان در شرایط برابری قرا گرفته اند. و این شاخص از وضعیت نامناسب تری برخوردار است.

جدول ۴- توزیع درصدی شاخص های اندازه گیری نگرش به فرهنگ کار

شاخص	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	تعداد پاسخگو
عادت به پشت میز نشینی	۲۲,۶	۲۷,۷	۱۶,۴	۲۵,۸	۷,۵	۱۵۹
عدم تمایل به کار مزرعه ای	۲۱,۴	۲۹,۶	۱۱,۹	۲۵,۸	۱۱,۳	۱۵۹
عدم آگاهی از واحدهای کاری مرتبط	۱۵,۲	۳۶,۱	۲۳,۴	۱۹,۶	۵,۷	۱۵۸
عدم اعتماد کارفرمایان به دانش آموختگان	۳۳,۳	۳۶,۵	۱۷,۶	۱۰,۷	۱,۹	۱۵۹
نگرش کلی برحسب درصد	۴,۲	۳۳,۳	۳۴,۷	۲۷,۱	۰,۷	۱۴۴

۵-۱- نگرش به موانع اقتصادی اشتغال: برای اندازه گیری این متغیر از چهار شاخص استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۵ ارائه گردیده است. آمار های محاسبه شده در جدول نشانگر آن است که حدود ۴۹ درصد دانش آموختگان ارزیابی از موانع اقتصادی اشتغال را در حد متوسطی می دانند و در بین شاخص های مورد نظر شاخص نداشتن سرمایه وعدم امنیت سرمایه گذاری بیشترین درصد موافقین را داشته است. این امر بیانگر آن است که وجود سرمایه وامنیت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی یکی از دغدغه های اصلی دانش آموختگان این رشته هاست علاوه بر این دقت در نتایج نشان می دهد شاخص سودآوری در مشاغل کشاورزی بیشترین موافقین را به خود اختصاص داده است که مبین این نکته است که حدود نیمی از تحصیل کرده های کشاورزی معتقدند کشاورزی فعالیتی سودآور است ولی در سایر شاخص ها چنین نگرشی وجود ندارد. در مجموع ارزیابی از این متغیر بیانگر آن است که ۳۹ درصد پاسخگویان معتقدند که عوامل اقتصادی مدنظر مانع مهمی در راه اشتغال می باشد فقط حدود ۱۳ درصد با چنین اعتقادی مخالفند لذا می توان گفت دولت ها با توجه به اهمیت موضوع بایستی راهکارهای مناسبی را اتخاذ نمایند.

جدول ۵- توزیع درصدی شاخص های نگرش به موانع اقتصادی اشتغال

شاخص	کاملا موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملا مخالف	تعداد پاسخگو
عدم ارتباط با واحدهای کاری مرتبط بارشته	۱۵,۸	۳۵,۴	۱۹	۲۵,۹	۳,۸	۱۵۸
عدم امنیت سرمایه گذاری	۲۹,۴	۳۸	۱۵,۳	۱۳,۵	۳,۷	۱۶۳
سودآور نبودن شغل در این رشته	۱۹,۳	۲۸	۱۹,۳	۲۹,۲	۴,۳	۱۶۱
نداشتن سرمایه جهت فعالیت	۴۱,۸	۳۵,۴	۱۵,۲	۵,۷	۱,۹	۱۵۸
نگرش کلی	۷,۷	۳۱,۳	۴۸	۱۲	۱,۳	۱۵۰

۲- برآورد مدل های تحقیق

جدول ۶ متغیرهای بکاررفته در مدل و تعریف آنها را نشان می دهد و جدول ۷ بیانگر نتایج مدل پروبیت برای متغیر وابسته وضعیت اشتغال است. در این الگو متغیر وابسته وضعیت اشتغال دارای دو طبقه می باشد. در برآورد مدل از هشت متغیر مستقل وارد شده ، متغیرهای سن، جنسیت، انتخاب رشته براساس میزان علاقه و نگرش به دانش ومهارت های کسب شده در دوران تحصیل به صورت معنی داری بر وضعیت اشتغال تاثیرگذارند که این تاثیرگذاری در جهت مثبت یا منفی می باشد.



جدول ۶- توصیف متغیرهای مورد استفاده در مدل های تحقیق

نام متغیر مستقل	شرح متغیر
جنسیت	مرد=۰، زن=۱
سن	به صورت پیوسته
سهیمیه قبولی	شاغل=۱ آزاد=۲
انتخاب رشته بر اساس علاقه	خیلی زیاد=۱، زیاد=۲، متوسط=۳، کم=۴، خیلی کم=۵
میزان هدایت شغلی در دوران تحصیل	خیلی زیاد=۱، زیاد=۲، متوسط=۳، کم=۴، خیلی کم=۵
میزان رضایت از رشته تحصیلی	خیلی زیاد=۱، زیاد=۲، متوسط=۳، کم=۴، خیلی کم=۵
نگرش به دانش و مهارت کسب شده	طیف لیکرت مندرج در جدول
نگرش به فرهنگ کار	طیف لیکرت مندرج در جدول
ارزیابی از موانع اقتصادی اشتغال	با استفاده از چهار شاخص در قالب طیف لیکرت
وضعیت اشتغال	بیکار=۰ شاغل=۱
تناسب رشته تحصیلی با شغل	نامتناسب=۱ تناسب متوسط=۲ کاملاً متناسب=۳

جدول ۷- نتایج حاصل از برآورد مدل پروبیت برای متغیر وابسته وضعیت اشتغال

متغیرهای مستقل	ضریب	انحراف استاندارد	آزمون Z	سطح معناداری
جنسیت	*-۰/۹۴	۰/۲۹	-۳/۲۱	۰/۰۰۱
سن	**۰/۰۷	۰/۰۳	۲/۲۲	۰/۰۲۷
انتخاب رشته بر اساس علاقه	**۰/۴۲	۰/۱۸	-۲/۳۳	۰/۰۲۰
میزان هدایت شغلی در دوران تحصیلی	-۰/۰۶	۰/۱۲	-۰/۴۹	۰/۶۲
میزان رضایت از رشته تحصیلی	-۰/۰۸	۰/۱۶	-۰/۵۲	۰/۶۰
نگرش به دانش و مهارت های کسب شده	**۰/۰۳	۰/۰۲	۲/۰۱	۰/۰۴۴
نگرش به فرهنگ کار	-۰/۰۲	۰/۰۲	-۱/۳۳	۰/۱۸۵
نگرش به موانع اقتصادی اشتغال	۰/۷۴	۰/۴۷	۱/۵۷	۰/۱۱۶
جزئی ثابت	-۱/۲۹	۱/۷۱	-۰/۷۵	۰/۴۵
** سطح معناداری ۰/۰۵ LR chi2 = 35/11 loglikelihood = -۵۶/۳۹۱۰۸ 108= N				
* سطح معناداری ۰/۰۱ Pseudo R ² = ۰/۲۴ Prob >chi2 = 0/000				

براین اساس در مورد متغیر جنسیت دانش آموختگان می توان گفت: احتمال اشتغال زنان کاهش یافته و احتمال بیکاری آنها افزایش می یابد. یکی از دلایل این موضوع ماهیت فعالیت های کشاورزی و دشواری کار در این مشاغل برای خانم ها

است. از طرف دیگر با افزایش سن دانش آموختگان احتمال اشتغال نیز افزایش می یابد. با توجه به اینکه میانگین سنی ۲۸ سال بوده و بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان نیز در سن کم تر از ۳۰ سال بوده اند لذا می توان گفت که احتمال اشتغال در این سنین بیشتر می باشد.

متغیر میزان علاقه مندی به رشته نیز اثر معناداری از خود نشان داده به طوریکه با افزایش میزان علاقه مندی در انتخاب رشته تحصیلی، احتمال شاغل شدن افزایش می یابد. این متغیر یکی از عوامل عمده موفقیت شغلی محسوب می گردد. این امر نشان دهنده آن است که هر چقدر افراد علاقه مندتری جذب رشته های کشاورزی شوند، احتمال اشتغال آنان افزایش پیدا می کند و نگرانی از جذب آنها کمتر می گردد. از این رو اطلاع رسانی بیشتر به افراد در زمان انتخاب رشته تحصیلی از مشاغل موجود، معرفی رشته ها، جذب افراد علاقمند به رشته و سیاست گذاری برای ورود موثر آنها به بخش های مرتبط می تواند ضمن ایجاد ارزش افزوده برای کشور، نگرانی های مربوط به اشتغال فارغ التحصیلان این حوزه را تا حدی کاهش دهد.

با توجه به اینکه موانع اقتصادی در اشتغال همواره به عنوان یکی از مشکلات اشتغال محسوب میگردند، ولی نتایج این تحقیق نشان می دهد این متغیر تاثیر معناداری بر احتمال اشتغال ندارد. از این رو می توان گفت برای دانش آموختگان علمی کاربردی بیش از آنکه موارد اقتصادی مطرح باشد مقوله های دیگر مثل مهارت و علاقه مندی مهم تلقی می گردد. در مورد متغیر نگرش دانش آموختگان به دانش و مهارت های کسب شده در دوران تحصیل نیز هرچقدر این نگرش مثبت تر باشد احتمال اشتغال فارغ التحصیلان افزایش پیدا می کند. از این رو بهبود کیفیت این مهارت ها می تواند تاثیر مثبتی بر احتمال اشتغال فارغ التحصیلان داشته باشد.

تاثیر سایر متغیرها شامل میزان رضایت از رشته تحصیلی، نگرش به فرهنگ کار، هدایت شغلی در دوران تحصیل و نگرش به موانع اشتغال توسط دانش آموختگان نیز روی احتمال اشتغال بی معنا برآورد شده است. این نتایج به این مفهوم است که برخلاف تصور رایج، عدم تمایل به کار مزرعه ای و یا عادت به کار اداری و پشت میز نشینی، تاثیری روی اشتغال توسط فارغ التحصیلان نداشته است. به عبارت دیگر متغیرهای موثرتر و مهمتری از جمله سن، جنسیت، علاقه مندی به رشته و ارزیابی از مهارت ها و نظایر آن وجود دارد که باعث می شود تاثیر عاملی مثل فرهنگ کار روی نوع اشتغال فارغ التحصیلان چندان پررنگ نباشد.

نتایج برآورد مدل دوم برای متغیر وابسته تناسب رشته تحصیلی با شغل دانش آموختگان در جدول ۸ ارائه گردیده است. مدل برآورد شده نشان می دهد که سه متغیر جنسیت، سهمیه قبولی و نگرش به دانش و مهارت های کسب شده به صورت معناداری بر احتمال افزایش تناسب رشته تحصیلی و شغل تاثیرگذار است به طوریکه احتمال تناسب رشته با شغل در بین زنان نسبت به مردان کمتر است و زنان شاغل تناسب شغلی کمی دارند لذا به نظر میرسد که با توجه به مشکل اشتغال زنان تحصیل کرده به صورت کلی، این مورد نیز یکی دیگر از نواقص و معضلات موجود می باشد. علاوه بر این کسانی که از سهمیه آزاد برای ورود به دانشگاه استفاده کرده اند نیز احتمال تناسب رشته تحصیلی با شغلشان کمتر است لذا به نظر می رسد که در جذب شاغلین بایستی جدیت بیشتری به عمل آورد. با افزایش نگرش به دانش و مهارت های کسب شده در دانشگاه احتمال تناسب رشته تحصیلی با شغل نیز افزایش می یابد. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه در زمان تحصیل در خصوص ایجاد مهارت در دانشجویان برنامه ریزی مناسب تری صورت گیرد روی شغل آینده آنان تاثیر مثبت تری خواهد داشت. نتایج این مدل نشان می دهد که سایر متغیر هائیز رابطه معناداری را نشان نمی دهند.

جدول ۸ - نتایج حاصل از برآورد مدل پروبیت ترتیبی برای متغیر وابسته تناسب رشته تحصیلی با شغل

متغیرهای مستقل	ضریب	انحراف استاندارد	آزمون Z	سطح معناداری
جنسیت	۰/۷۲** -	۰/۴۰	-۱/۸	۰/۰۷
سن	۰/۰۰۱ -	۰/۰۳	-۰/۳	۰/۹۷
سهمیه پذیرش	۰/۱۳** -	۰/۳۵	-۳/۲۱	۰/۰۰۱
انتخاب رشته بر اساس علاقه	۰/۰۶۹ -	۰/۱۸	-۳/۹	۰/۶۹
میزان هدایت شغلی در دوران تحصیلی	۰/۰۱ -	۰/۱۴	۰/۷۲	۰/۴۷
نگرش به دانش و مهارت کسب شده	۰/۰۴** -	۰/۰۱	-۲/۹۰	۰/۰۰۴
** سطح معناداری ۵٪				
LR chi2 = 26/91				
loglikelihood = -۴۹/۸۱				
۷۶ = N				
* سطح معناداری ۱٪				
Pseudo R 2 = ۰/۲۱				
Prob >chi2 = 0/000				

بحث و پیشنهادات کاربردی

در این تحقیق به بررسی عوامل موثر بر وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان کشاورزی و تناسب رشته تحصیلی آنان با شغلشان پرداخته شد. نتایج تحقیق که با استفاده از برازش مدل های مختلف پروبیت حاصل شده است حاوی نکات بسیار مهمی است که کمتر در تحقیقات دیگر به آنها اشاره شده است. از این رو با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، موارد ذیل پیشنهاد می گردد.

۱- باتوجه به وضعیت موجود اشتغال در بین دانش آموختگان علمی کاربردی کشاورزی (حدود ۵۸ درصد) و احتمال بیکاری بیشتر در بین زنان نسبت به مردان، پیشنهاد میگردد قابلیت های اشتغال در بخش کشاورزی با جدیت بیشتری با توجه به نیازهای آن تقویت گردد و از طرف دیگر متناسب با نوع رشته ها در ظرفیت های پذیرش برای زنان نیز تجدید نظر اساسی انجام گیرد به طوری که با توجه به شرایط سخت کار کشاورزی بیشتر زمینه جذب مردان فراهم گردد.

۲- میزان علاقه به رشته تحصیلی یکی از عوامل موثر در اشتغال و موفقیت شغلی به شمار می رود لذا ضرورت دارد که از طریق آگاهی دادن و ایجاد انگیزه های لازم به صورتی عمل شود که افراد علاقه مند بیشتری در رشته های کشاورزی جذب شوند و هدایت شغلی مناسب نیز در زمان تحصیل برای حفظ علاقه مندی آنان صورت گیرد. به ویژه اینکه آموزش و کسب مهارت در رشته های کشاورزی مستلزم هزینه های بالاتری نسبت به سایر رشته های دانشگاهی است.

۳- با توجه به وجود اثر گذاری معنادار نگرش به دانش و مهارتهای کسب شده بر اشتغال و نگرش مثبت و قوی دانش آموختگان به آن که نشان از اهتمام ویژه برنامه ریزان آموزش علمی کاربردی کشاورزی است لازم است با تامین امکانات و تجهیزات و تربیت مدرسین ماهر تر در مراکز آموزشی شرایطی فراهم گردد که یادگیری بیشتر بر اساس روش های تجربی متکی باشد تا علاوه بر تقویت این رویکرد مثبت در آموزش های علمی- کاربردی رضایت دانش آموختگان نیز از رشته تحصیلی شان بیشتر شده و آینده شغلی شان نیز متناسب با تخصص و مهارت فرا گرفته شده در دانشگاه باشد. همچنین در طول تحصیل دوره های آموزشی کوتاه مدت مهارتی نیز در برنامه های فوق برنامه درسی دانشجویان گذاشته شود تا ضعف عملی و مهارتی احتمالی نیز برطرف گردد.

- ۴- نگرش به فرهنگ کار در بین دانش آموختگان از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و در بین شاخص های آن، عدم اعتماد کارفرمایان نیز شرایط نامناسب تری دارد. در این زمینه فعال کردن مراکز رشد و کار آفرینی در مراکز آموزش علمی کاربردی با هدف فراهم نمودن محل تعامل و گفتگو همچنین محل شناسایی استعداد ها، علائق و شکوفایی دانش آموختگان و تقویت فرهنگ کار می تواند نقش سازنده ای در اشتغال آینده دانش آموختگان داشته باشد.
- ۵- باتوجه به این که ۴۰ درصد دانش آموختگان نگرش مثبتی به وجود موانع اقتصادی در اشتغال دارند لذا پیشنهاد میگردد دستگاههای اجرایی مربوطه با همکاری مراکز آموزشی نسبت به احصای دقیق موانع وارائه راهکارهای عملیاتی برای رفع موانع مذکور اقدام نمایند در این زمینه معرفی تسهیلات موجود در بخش کشاورزی و سوق دادن آن برای برخورداری بدون قید و شرط به دانش آموختگان کشاورزی و کاهش بوروکراسی اداری از توصیه های مهم و تاثیرگذار در فرآیند اشتغال می باشد.
- ۶- با توجه به نبود اطلاعات از وضعیت بازار کار و عمدتاً عدم تناسب رشته ها با نیازها بایستی در طراحی و تدوین دوره ها به صورتی عمل گردد که محتوای دروس با شغل و نیازهای واقعی بازار کار متناسب بوده و با علوم و فناوری روز نیز هماهنگ باشد. در این زمینه تدوین برنامه های آموزشی مبتنی بر کار آفرینی حرکت موثری تلقی می گردد.
- ۷- نتایج نشان میدهد که وضعیت اشتغال و تناسب رشته تحصیلی با شغل در دانش آموختگان علمی کاربردی نسبت به سایر آموزش ها از وضعیت مناسب تری برخوردار بوده ولی در هر حال لازم است با کمک و حمایت دولت و ایجاد بستر لازم در هر منطقه زمینه اشتغال و مخصوصاً خود اشتغالی در رشته های کشاورزی فراهم گردد و توسعه این آموزشها و جذب افراد از طریق سهمیه شاغل توصیه موکد و جدی است.

منابع

- ۱- آقاپور ش. موحد ح. علم بیگی ا. و شعبانعلی فمی ح (۱۳۹۱) بررسی نقش مهارتهای توسعه فردی در برنامه ریزی در شکل گیری قابلیت اشتغال در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشاورزی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۶۳. صص ۱۱۳-۱۲۸.
- ۲- آوخ کیسمی م. ۱۳۸۲. نقش آموزش تخصصی علمی - کاربردی در افزایش وضعیت اشتغال. مجموعه مقالات همایش نقش فن آوری اطلاعات در اشتغال بهمن ماه ۱۳۸۰. دانشگاه علم و صنعت. صص ۵۷۷-۵۸۳.
- ۳- ایزدی ص. صالحی عمران ا. و قربانی ع. ۱۳۸۹. ارزیابی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دانشگاه جامع علمی - کاربردی. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال سوم. شماره ۲.
- ۴- بیگدلی م. کرامتی م. ر. و بازرگان ع. ۱۳۹۱. بررسی رابطه رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۷۵. صص ۱۳۱ - ۱۱۱.
- ۵- خسروی پور ب. و سلیمان پور م. ۱۳۸۹. تبیین نقش ویژگی های فردی موثر بر اشتغال دانش آموختگان دختر آموزش عالی (مطالعه موردی: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی راین اهواز). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). دوره ۸. شماره ۴. صص ۲۰۳-۲۲۰.

- ۶- خسروی پور ب. و منجم زاده ز. ۱۳۹۰. دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع موثر در کارآفرینی و اشتغال دانش آموختگان کشاورزی. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران دوره ۲-۴۲. شماره ۱. صص ۱۰۵-۱۱۶.
- ۷- خوی نژاد غ. و میرزایی فیض آبادی ا. ۱۳۸۵. نقد و بررسی نظام آموزش عالی علمی - کاربردی کشاورزی از نظر اشتغال: مطالعه موردی مجتمع آموزش جهاد کشاورزی خراسان. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. جلد ۲. شماره ۱.
- ۸- ده یوری س. ۱۳۸۷. بررسی وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی رشته های کشاورزی دانشگاه تهران. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران ۳۹(۱): ۱۲۳-۱۳۱.
- ۹- زمانی غ ح. عزیزی ط. ۱۳۸۵. تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش آموختگان کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. جلد ۲. شماره ۲.
- ۱۰- صالحی عمران ا. ۱۳۸۵. وضعیت اشتغال دانش آموختگان زن: مطالعه موردی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۳۹.
- ۱۱- صفاری ح. ۱۳۹۰. دیدگاه دانش آموختگان آموزش عالی کشاورزی در خصوص مهم ترین موانع اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان). همایش ملی اشتغال دانش آموختگان بخش کشاورزی و منابع طبیعی.
- ۱۲- فرخزاده م ح. عطایی ح. روحانی ح. و فاضلی ف. ۱۳۸۹. بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان مرکز آموزش جهاد کشاورزی خراسان رضوی. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی. شماره ۱۲. بهار.
- ۱۳- فروزانی م. و زمانی غ ح. ۱۳۸۵. بررسی وضعیت اشتغال با رویکرد پودمانی برای دانش آموختگان دختر رشته های کشاورزی فارس. مجموعه مقالات همایش آموزش کشاورزی. نشر آموزش کشاورزی.
- ۱۴- محمدی دینانی م. و فولادی م ح. ۱۳۸۰. بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی (مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی کرمان) اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال نهم. شماره ۳۴.
- ۱۵- موحدی ر. اکبری ر. یعقوبی او خداوردیان م ر. ۱۳۸۹. راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش آموختگان کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی. سال سوم. شماره ۴.
- ۱۶- مولایی م. ۱۳۸۳. بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان در صنایع کوچک ایران. تدبیر. شماره ۱۵۴.
- ۱۷- نظری کتولی ع. و رحمانی ر. ۱۳۸۳. چالشهای اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهها. تدبیر. ۱۵۳.
- ۱۸- نوروزی فیروز م. اکبری ص. طیفوری و. ۱۳۹۲. بررسی وضعیت بازار کار دانش آموختگان عالی در ایران ۱۳۹۰ با تاکید بر استان گیلان. همایش تحلیل یافته های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰. تهران.
- ۱۹- همتی ف. پزشکی راد غ ر. چیدری م. ۱۳۸۶. بررسی وضعیت شغلی و موفقیت شغلی دانش آموختگان مراکز آموزش کشاورزی آذربایجان شرقی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. جلد ۳. شماره ۱.

20- Gonzalez-Roa MC and Calatrava-Requena J. 2008. Food Labeling Use and Differentiated Consumers Behavior: A Survey Analysis in Spanish Food Market. 12th Congress of the European Association of Agricultural Economics-EAAE.

21- Scot Long J. 1997. Regression Models for Categorical and Limited Dependent Variables. SAGE Publications. New Delhi.

22- Velandia.M.Roderick M. Rejesus.Thomas O. Knight.and Bruce J.Sherrick.2009. Factors Affecting Farmers Utiliation of Agricultural Risk Management Tools : The Case of Crop Insurance,Forward,Contrasting and Spreading Sales.Journal of Agricultural and Applied Economics.41.1:107-123.

23- Lankard.A.B.1994.Employers Expectations of Vocational Education
.www.ed.gov/databases/eric-digets.ED.376273.Abstract.

